

هفته نامه ورزشی

صاحب امتیاز:

مؤسسه اطلاعات

مدیر مسئول و سردبیر:

غلامحسین شعبانی

تهران - بلوار میرداماد

خیابان روزنامه اطلاعات - پلاک ۸

کد پستی: ۱۵۴۹۹۵۱۱۹۹

پست تصویری: ۲۲۲۲۵۲۹۹

روابط عمومی: ۲۹۹۹۳۳۴۱

سازمان آگهی‌ها: ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴

چاپ: شرکت ایران چاپ

E-mail: sport@ettelaat.com

۳	سر مقاله
۴	کندوکاو
۶	پرسه
۸	لیگ برتر
۱۲	زیرگنبد کبود
۱۴	نیم نگاه
۱۶	استقلال
۱۸	تیم ملی
۲۲	بازتاب
۲۴	والیبال
۲۶	دو و میدانی
۲۸	کشتی
۳۲	رویدادها
۳۶	بسکتبال
۳۸	کوتاه از فوتبال جهان
۴۰	بانوان
۴۲	رزمی
۴۴	وزنه برداری
۴۶	اسب‌دوانی
۴۸	طنز
۵۰	جدول
۵۱	جانبازان و معلولین
۵۲	رونالدو
۵۴	جام جهانی
۵۶	تیم ملی نوجوانان
۵۷	لیگ یک
۵۸	تاریخ مصور
۵۹	ژیمناستیک
۶۰	انجمن های ورزشی
۶۲	آسیا و بزن
۶۴	فوتبال تهران
۶۶	گوناگون

پیرامون یک برکناری (۲)

مقبولیت شرط لازم مدیریت

در نوبت قبل به بهانه برکناری رئیس فدراسیون چوگان نکاتی در خصوص ضرورت مقبولیت یک مدیر قلمی شد. پیش از پرداختن به ادامه بحث ناگزیر به توضیح مختصری هستم. ما جامعه پر تعارفی داریم. از کودکی ما را با برخی تعارفات که شاید اغراق آمیز است بار می آورند. این خلق و خوی به مرور زمان چنان بر دل و جان ما می نشیند که گویی اگر کسی اندکی از این دایره خارج شده و کلامی بگوید گناهی نابخشودنی را مرتکب شده است. در کنار این خصلت اخلاقی که ما را کم تحمل بار می آورد حاکمیت نگاه صفر و صدی و یا سیاه سفیدی مطلق اسباب مضاعفی می شود تا ظرفیت ما برای نقد کردن و نقد پذیرفتن کم باشد. نقد یک نعمت است به شرط آنکه هم نقد کننده از دایره انصاف خارج نشود و هم نقد شونده آن را در حکم دشمنی تلقی نکند. اگر منتقد در نقدی که می کند رعایت موازین را نکند و خواننده نقد متوجه شود که در آن نوعی خصومت شخصی پنهان است حتی اگر ناقد حرف حقی هم زده باشد فاقد اثر خواهد بود. از آن سر هم اگر نقد شونده بجای پذیرفتن یا پاسخ دادن منطقی به مورد نقد بحث های دیگری را به میان کشد و دست به خلط انگیزه و انگیزه بزند بطور قطع بهره لازم را از نگاه فردی که بیرون از مجموعه نظاره گر عملکرد داست نخواهد برد.

اگر نقدی در خصوص بخشی از یک مجموعه صورت می گیرد به هیچ وجه به معنی نفی کلیت آن نیست و چه بسا در سایر عرصه های آن مجموعه کارها بخوبی پیش برود. اگر گفته می شود که فردی مثلاً برای فلان منصب مناسب نیست به هیچ وجه این معنا را نمی دهد که در سایر عرصه ها نمی توان از او استفاده کرد. علاوه بر اینها چنانکه هفته قبل نیز ذکر شد چه بسا فردی از نظر مدیریتی شایستگی منصبی را داشته باشد اما بنا به هر دلیلی فاقد وجهت و مقبولیت عام برای آن سمت باشد. مگر کم داشتیم کسانی را که در حوزه های سیاسی یا فرهنگی دارای شایستگی بوده اند اما به دلیل برخی خصلت های شخصی یا پاره ای اشتباهات رفتاری فاقد وجهت شده و جامعه از آنها روی برگردانده است تا جایی که حتی سخن حق آنها هم شنیده نشده است.

کار و تصمیم گیری درست حتماً باید در کنار رفتار درست باشد، فقدان هر کدام به دیگری آسیب می رساند اگر بخواهم مثالی بزنم در واقع میان تصمیم درست و اجرای درست تفاوت است چنانکه می گویند میان قانون خوب و اجرای آن فرق است هم باید قانون خوب داشت و هم باید آن را خوب اجرا کرد. کم گذاشتن در هر کدام باعث آسیب رسیدن به کل مجموعه می شود.

با ذکر این مقدمه به این نکته اشاره می کنم که هدف از نوشته قبل و آنچه که در ادامه می آید فقط بیان یک درد است و این به هیچ وجه به معنای اشکال گرفتن بر سایر عرصه ها که اتفاقاً خوب هم پیش می رود نیست چنانکه اگر بگوییم فلانی قانون را خوب اجرا نمی کند اصلاً به معنای نقد آن قانون نیست.

در نوبت قبل نوشتیم که دکتر سلطانی فر باید دقت بیشتری برای شنیدن نظرات دیگران و خصوصاً مدیران زیر مجموعه خود بکند، اما در کنار آن از علاقه مندی و پیگیری ایشان نسبت به ورزش هم گفتم. اینها دو مقوله جدا از هم هستند. بارها شاهد بودیم و از مدیران ورزش نیز شنیدیم که چگونه تا پاسی از شب مشغول رتق و فتق امور بوده اند و این نکته مثبتی است که باید به آن توجه کرد، اما در کنار این تلاش گمان بنده این است که انتخاب مدیران هماهنگ می تواند بخوبی این تلاش ها را عیان کند و عدم انتخاب مدیران هم فکر تلاش ها را خنثی می کند. گاه مدیران ناهمگون کل تلاش های یک مجموعه را زیر سؤال می برند همانگونه که یک شیوه غلط اجرایی تصمیم درست را خراب می کند. ما در زمان کوتاهی شاهد شیوه های اشتباهی بودیم که باعث شد کمتر به اصل ماجرا توجه شود مانند داستان مسعود شجاعی و حاج صفی، یا نامه ای که در خصوص فدراسیون کشتی منتشر شد و یا برکناری رئیس فدراسیون چوگان. در تمام این موارد مشکل بر سر راه حل ها بود. اینها نشان داد که معاونت سازمان راهی منطقی را اتخاذ نکرده و همین باعث آسیب رسیدن به مقبولیت ایشان، که چنانچه ذکر شد از همان ابتدا هم کم بود، می شود. حالا اگر کسی ایشان را دعوت به مشورت یا تأمل در تصمیم گیری کند باید آن را تحمل بر خصومت و... کرد؟

چنانچه ذکر شد بهانه این نوشتار برکناری خانم و کیل گیلانی از ریاست فدراسیون چوگان بود و روشی که به نظر مطلوب نبود، اما پیش از آن طبق قرار قبلی به نمونه دومی از انتصابات که مقبولیت در آن مورد توجه قرار نگرفته است اشاره می کنم.

اگر از هر کسی بپرسید که اصلی ترین کار یک روابط عمومی چیست بدون تردید خواهند گفت ارتباط مناسب با رسانه ها. حالا اگر کسی از نظر تئوری و کارکرد تجربه کافی در این حوزه داشته باشد اما قادر به ایجاد رابطه با رسانه ها نباشد می تواند یک مدیر روابط عمومی خوب باشد. ممکن است فردی از نظر بیان تئوری ها حتی در سطوح بالا باشد اما در اجرا نتواند آن تئوری ها را اجرا کند، همانطور که یک قانون نویس خوب لزوماً یک مجری قانون خوب هم نیست یک فرد رسانه ای خوب هم لزوماً یک مدیر روابط عمومی خوب نیست چرا که در کنار دانش این کار نیازمند نوعی رفتار خاصی است تا اسباب مقبولیت آن فرد در نزد کسانی که می خواهند با او همکاری کنند باشد در حال حاضر مدیر کل روابط عمومی وزارت ورزش یکی از اصحاب رسانه است که سابقه ای طولانی در این حوزه دارد و می توان ایشان را از کاربلدان دانست اما در کنار این، چنانکه ذکر شد مقبولیت نیز شرط احراز مسئولیت است. ایشان در انتخابات انجمن ورزشی نویسان موفق نشدند حتی به عنوان عضو علی البدل هم انتخاب شوند با این اوصاف کسی که قرار است با همین رسانه ها کار کند چگونه می تواند در حالیکه از جانب آنها مورد اقبال قرار نگرفته رابطه ای بر مبنای همکاری خوب و متقابل داشته باشد؟ این به هیچ وجه به معنای عدم توجه به دانش ایشان نیست بلکه سخن بر سر رابطه ای صمیمانه و مقبول است که شواهد نشان می دهد وجود ندارد. حالا با این اوصاف یا باید مدیر کل روابط عمومی وزارت ورزش در نوع تعامل و رفتار خود تجدید نظر کند و یا آنکه از هنر ایشان در بخش دیگری استفاده کرد. بوده اند کسانی که شاید از نظر شناخت رسانه اندازه ایشان نبوده اند اما در اجرا موفق تر عمل کرده اند. اگر چاره ای برای این امر اندیشیده نشود بطور قطع زبان اصلی متوجه ورزش و وزیر و سیاست های او خواهد شد نمونه آخر آن را هم در خصوص سفر ایشان به همراه تیم دارت به ژاپن دیدیم که چه واکنش هایی را فراهم آورد که بطور قطع به سود ورزش و مدیر آن نیست. خاطرم آن باشد که در ماه های آتی انتخابات کمیته ملی المپیک را در پیش خواهیم داشت و باید برای آن چاره ای اساسی اندیشید اما آیا مدیرانی داریم که کاربلد باشند و نگذارند کمیته ملی المپیک به دست افرادی بیافتد که شایستگی آن را ندارند؟ پاسخ را مدیران ورزشی بهتر از هر کسی می دانند.

ایشان در انتخابات انجمن ورزشی نویسان موفق نشدند حتی به عنوان عضو علی البدل هم انتخاب شوند با این اوصاف کسی که قرار است با همین رسانه ها کار کند چگونه می تواند در حالیکه از جانب آنها مورد اقبال قرار نگرفته رابطه ای بر مبنای همکاری خوب و متقابل داشته باشد؟